



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

۱۳۸۱۹
۸۰۴۸

وزارت امور اقتصادی و دارایی

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و یکم خردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۷ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۹۶۶-ق مورخ ۱۳۸۰/۴/۲ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. اح


سید محمد خاتمی

رئیس جمهور

۱

رونوشت بانضمام تصویر قانون به :

- دفتر مقام معظم رهبری - دفتر رئیس جمهور - دفتر ریاست قوه قضائیه - دفتر معاون اول رئیس جمهور - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - دیوان محاسبات - اداره قوانین مجلس شورای اسلامی - دفتر هیات دولت - مجمع تشخیص مصلحت نظام - اداره کل حقوقی - اداره کل قوانین و مقررات کشور - اداره کل امور مجلس - وزارت امور خارجه - اداره کل توافقات بین المللی - وزارت صنایع و معادن - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (جهت درج در روزنامه) ابلاغ می شود. ۳۲۹۶۹

صادر شود

چنانچه مؤسسه تجاری همانطوری که در بالا ذکر شده فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود لیکن تنها آن قسمتی از آن که مرتبط با مقر دائم باشد.

۲ - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافع جهت مقر دائم منظور می‌گردد که اگر این مقر، یک مؤسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می‌داد و به طور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری که مقر دائم آن می‌باشد معامله می‌کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳ - در تعیین منافع یک مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دائمی یک مؤسسه مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها خواه در دولتی که مقر دائم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴ - در حالتی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به یک مقر دائم براساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. با این حال، نتیجه روش تسهیمی اتخاذ شده باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵ - صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقر دائم برای مؤسسه تجاری، هیچ منفعی برای آن مقر دائم تخصیص نخواهد یافت.

۶ - منافع تخصیصی به مقر دائم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷ - در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این

تجاری

موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصل شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسه‌های شریک:

۱ - در صورتی که:

الف - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد،

یا

ب - اشخاص واحدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند.

و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسه‌های تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منافعی که می‌بایست عاید یکی از این مؤسسه‌های تجاری شده باشد، ولی به علت آن شرایط عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد منافعی از مؤسسه تجاری آن دولت را محاسبه و مشمول مالیات نماید که مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر مشمول پرداخت مالیات

در آن دولت متعاهد دیگر شده است و منافی که بدین ترتیب محسوب شده اند منافی باشند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه، مانند شرایط میان دو مؤسسه مستقل بود عاید آن مؤسسه می شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰ - سود سهام:

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است به مقیم یک دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این حال، این سود سهام می تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «سود سهام» به نحوی که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، یا سایر حقوق، (به استثنای مطالبات مربوط به دیون)، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد مقیم آن می باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل شده از سهام اعمال می شود.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از یک پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط

مجلس شورای

با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با یک مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت نیز مشمول مالیات نمی شود حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی:

۱- هزینه های مالی حاصل شده در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این حال، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «هزینه های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است اطلاق می شود به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به این گونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه برخوردار باشد یا نباشد. جرایم متعلقه برای تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

مبتغای

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصله در یک دولت متعاقد و مکتسبه توسط دولت، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسه‌های دولتی، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامهای محلی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت اول معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق یک مقرر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، یک تقسیم فرعی سیاسی، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با این حال، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد در ارتباط با بدهی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد و این هزینه‌های مالی برعهده آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل در دولتی تلقی خواهد شد که این مقرر دائم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای

متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها:

- ۱- حق الامتیازهای حاصل شده در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- با این حال، این حق الامتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.
- ۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به نحوی که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.
- ۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق یک مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.
- ۵ - حق الامتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، یک تقسیم فرعی سیاسی، یک مقام محلی یا یک مقیم آن

بتعیالی

دولت باشد. با این حال، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد)، در یک دولت متعاقد دارای یک مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به طور مؤثری مرتبط با آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصله در دولت متعهادی تلقی خواهند شد که این مقر دائم یا پایگاه ثابت در آن واقع می باشد.

۶ - در صورتی که به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختیها طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه :

۱ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقر دائم را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به یک پایگاه ثابت که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال این مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

مجلس

- ۳ - عواید حاصل شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای یا راه‌آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.
- ۴ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل:

- ۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مشابه مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود، مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت خود پایگاه ثابتی به طور مرتب در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه چنین پایگاه ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می‌باشد.
- ۲ - اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" بخصوص شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل:

- ۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد، فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود.
- چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند

بتعمیل

مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲ - علی رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام انجام شده در دولت متعاهد دیگر، فقط مشمول مالیات دولت اول خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده است از (۱۸۳) روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند، و

ب - حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - حق الزحمه برعهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی که پرداخت کننده حق الزحمه در دولت دیگر دارد، نباشد.

۳ - علی رغم مقررات قبلی این ماده، حق الزحمه حاصله مرتبط با استخدام در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن در حمل و نقل بین المللی می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی باشد که دفتر ثبت شده آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران:

حق الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل شده توسط مقیم یک دولت متعاهد در سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران:

۱ - علی رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به

عنوان یک هنرمند، از قبیل هنرمند نمایش، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا یک موسیقیدان، یا به عنوان یک ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده در دولت متعاهد دیگر حاصل می نماید، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی یک هنرمند یا یک ورزشکار در این سمت عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علی رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، آن درآمد می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد.

۳- علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد موضوع این ماده از مالیات دولت متعاهدی که در آن فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار ارائه شود معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه این فعالیتها اساساً از بودجه عمومی هر یک از طرفهای متعاهد تأمین شده یا به موجب موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاهد باشد.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی:

۱- با رعایت مقررات بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای استخدام در گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می باشد.

۲- با این حال، چنانچه این حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه توسط مقیم دولت متعاهد دیگر یا مقرر دائم واقع در آن پرداخت شود می تواند در آن دولت متعاهد دیگر نیز مشمول مالیات شود.

۳- علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه پرداختی به موجب طرح عمومی که بخشی از سیستم تأمین اجتماعی یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن باشد، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

**قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از
فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین**

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره - در اجرای مفاد این موافقتنامه، درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه اتباع ایرانی مقیم دولت متعاقد دیگر، حاصل شده در همان دولت، مشمول مقررات مالیاتی دولت جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از
فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه و تأکید بر کوشش در جهت توسعه و تعمیق روابط اقتصادی متقابل به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱۹ - خدمات دولتی:

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود. با این حال، این حق الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهند بود که این خدمات در آن دولت انجام شوند و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- تنها به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- الف) هر نوع حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یا از محل صندوقهای ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا یک تقسیم فرعی سیاسی یا یک مقام محلی آن، به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت، تقسیم فرعی یا مقام مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب - علی‌رغم مقررات جزء الف) این بند، این حقوق بازنشستگی در صورتی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود که شخص حقیقی مقیم و تبعه آن دولت باشد.

۳- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حق الزحمه و حقوق بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یک تقسیم فرعی سیاسی یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسان و محصلان:

۱- وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و

بتمالی

تنها به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاهد دیگر به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر نخواهد بود، مشروط بر اینکه پرداختهای مزبور از منابعی خارج از آن دولت دیگر حاصل شده باشد.

۲- همچنین حق الزحمه ای که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاهد می باشد و در دولت متعاهد دیگر به سر می برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، در دولت دیگر از مالیات بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود.

این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی یک شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها:

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است، فقط مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود مگر آنکه اینگونه اقلام درآمد از منابع دولت متعاهد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاهد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق یک مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد

مجلس

مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد این اقلام درآمد در آن دولت متعاهد دیگر و برطبق قوانین خود آن دولت مشمول مالیات می باشند.

ماده ۲۲ - سرمایه:

۱- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول متعلق به مقیم یک دولت متعاهد و واقع در دولت متعاهد دیگر که در ماده (۶) ذکر شده، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی یک مقرر دائمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتی ها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - روش حذف مالیات مضاعف:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل می کند یا سرمایه ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت اول اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف

از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

با این حال، در هر یک از دو مورد اینگونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بر درآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد ممکن است به درآمد یا سرمایه در دولت دیگر اختصاص یابد بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، مع هذا، این دولت می تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴ - عدم تبعیض:

۱- اتباع یک دولت متعاهد مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوطی که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- اشخاص بدون تابعیتی که مقیم یک دولت متعاهد هستند، در هر یک از دولتهای متعاهد مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوط به آن، که اتباع دولت مربوط تحت شرایط یکسان، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند نخواهند بود.

۳- مالیات یک مقرر دائم که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد با مطلوبیت کمتری از مالیات مؤسسه های تجاری آن دولت متعاهد دیگری که همان فعالیتها را انجام می دهند، وصول نخواهد شد.

بیتالی

۴- مؤسسه‌های تجاری یک دولت متعاهد که سرمایه آنها به طور کلی یا جزئی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت اول، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر مؤسسات مشابه تجاری در دولت اول مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطا می‌نماید به مقیمان دولت متعاهد دیگر نیز اعطا کند.

۶- مقررات این ماده شامل مالیاتهای موضوع این موافقتنامه خواهد بود.

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرفنظر از تدابیر پیش‌بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می‌تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد باید ظرف دوسال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، مورد را فیصله دهد. هر توافقی که حاصل شود علی‌رغم هر محدودیت زمانی در قوانین داخلی دولتهای متعاهد اجرا خواهد شد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات

ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴ - مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات:

۱ - مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که مالیاتهای به موجب آن مغایر این موافقتنامه نباشد با یکدیگر مبادله خواهند کرد. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامها (از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری) مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری یا تعیین پژوهشهای مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامها اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در دادرسی های عمومی یا تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف

سیاست (نظم) عمومی باشد.

ماده ۲۷ - اعضای مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸ - لازم‌الاجرا شدن:

هریک از دولتهای متعاقد از طریق مجاری سیاسی، از تکمیل مراحل که قوانین داخلی آن برای لازم‌الاجرا شدن این موافقتنامه مقرر کرده دولت دیگر را مطلع خواهد کرد. این موافقتنامه بعد از مبادله آخرین یادداشت لازم‌الاجرا و در موارد زیر نافذ خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، حاصل می‌شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و سرمایه به آنگونه از مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، شروع می‌شود.

ماده ۲۹ - فسخ:

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود لازم‌الاجرا خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، فسخ نماید.

در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دی‌ماه

مبتعالی

برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

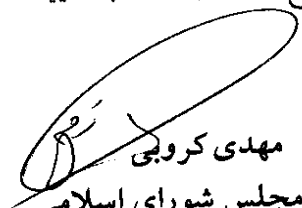
ب - نسبت به سایر مالیاتهای بردرآمد و مالیات بر سرمایه، به آنگونه مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

بنا به مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ اول خردادماه ۱۳۷۵ برابر با بیست و یکم ماه مه ۱۹۹۶ به زبانهای فارسی، اوکراینی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است، در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف	از طرف
دولت اوکراین	دولت جمهوری اسلامی ایران

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و یکم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. ع


مهدی کرویجی
رئیس مجلس شورای اسلامی

بیت

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه:

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه:

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرف نظر از نحوه وضع آنها از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامهای محلی آن وضع می شود.

۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، کل سرمایه، یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی مؤسسه های تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای (فعلی) مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر اموال،

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود).

ب - درمورد اوکراین:

- مالیات بر منافع مؤسسه های تجاری، و

- مالیات بر درآمد شهروندان (اتباع)،

(که از این پس مالیات اوکراین نامیده می شود).

مبتدائی

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساساً مشابه طبقه‌بندی شده مطابق با بند (۱) این ماده، که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضای این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای ذیصلاح کشورهای متعاقد، ظرف مدت معقولی، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی:

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف - اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن اطلاق می‌شود به جمهوری اسلامی ایران یا اوکراین.
اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» اطلاق می‌شود به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

اصطلاح «اوکراین» وقتی که در یک مفهوم جغرافیایی به کار می‌رود، اطلاق می‌شود به قلمرو اوکراین، ساحل قاره‌ای آن و منطقه اقتصادی انحصاری (دریایی) آن، از جمله هر منطقه خارج از قلمرو دریایی اوکراین که طبق حقوق بین‌الملل به عنوان منطقه‌ای که حقوق اوکراین می‌تواند در آن ارتباط با بستر دریا و زیر خاک و منابع طبیعی آن اعمال شود، تعیین شده است یا ممکن است بعداً تعیین شود.

ب - اصطلاح «شخص» شامل یک شخص حقیقی، یک شرکت یا سایر انواع اشخاص می‌باشد.

پ - اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر مؤسسه که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌گردد.

ت - اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط

مجلس شورای اسلامی

هر دولت متعاقد می باشد.

ث - اصطلاحات «مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد» و «مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر» به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری که به وسیله شخص مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.

ج - اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط یک مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن تنها بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

چ - اصطلاح «مقام صلاحیتدار» اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز

او.

- در مورد اوکراین، به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او.

ح - اصطلاح «تبعه» اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.

- هر شخص حقوقی که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک

دولت متعاقد کسب نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف

نشده باشد، بجز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را

خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴ - مقیم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» اطلاق می شود به هر

شخصی که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا

بیتعین

سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده، یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن یک محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد. (مرکز منافع حیاتی)

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن، مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا اگر در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، مقامهای صلاحیتدار دو دولت موضوع را با توافق دوجانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده، شخصی غیر از یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵ - مقر دائم:

- ۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به طور کلی یا جزئی در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.
- ۲- اصطلاح «مقر دائم» بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره،

ب - شعبه،

پ - دفتر،

ت - کارخانه،

ث - کارگاه،

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری، استخراج از منابع طبیعی،

چ - انبار یا سایر انواع ساختمان مورد استفاده به عنوان محل فروش.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه نصب یا سوار نمودن ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دائم» محسوب می شوند لیکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴ - علی رغم مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروح زیر مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، به عنوان فعالیت از طریق یک "مقر دائم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تأسیسات تنها به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تنها به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تنها به منظور آماده سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.

ت - نگهداری یک پایگاه ثابت شغلی تنها به منظور خرید کالاها یا اجناس یا جمع آوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث - نگهداری یک پایگاه ثابت شغلی تنها به منظور انجام تبلیغات، گردآوری

مبتعالی

اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهائی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
ج - نگهداری یک پایگاه ثابت شغلی تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در
جزءهای (الف تا ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات،
دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (به غیر از یک
نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می باشد)، در یک دولت متعاهد از
طرف یک مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد
و آن را به طور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیتهائی که آن شخص
برایش انجام می دهد دارای مقر دائم در آن دولت تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیتهای
این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد که به موجب مقررات بند مذکور
چنانچه از طریق یک پایگاه ثابت شغلی انجام گیرند، این پایگاه ثابت شغلی را به یک مقر
دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد تنها به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر
از طریق یک حق العملکار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می پردازد، دارای
مقر دائم در آن دولت متعاهد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این
اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

با این حال، هرگاه فعالیتهای چنین نماینده ای به طور کامل یا تقریباً کامل به آن
مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، او از لحاظ مفهوم این بند به عنوان نماینده دارای
وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است، شرکتی را که مقیم
دولت متعاهد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل
شود (خواه از طریق یک مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود کافی نخواهد بود که
یکی از آنها مقر دائم دیگری تلقی شود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیرمنقول:

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - اصطلاح "اموال غیرمنقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و وسائل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳ - مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره برداری از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴ - مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول یک مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷ - منافع تجاری:

۱ - منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصل شد توسط مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن دولت امور تجاری خود را انجام دهد.